

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۹ آبان ۱۳۸۷ ، ۱۹ نوامبر ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۴۱

به مناسبت هفدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری گفتگو با محمد آسگران

عمومی به مردم قبولانده بودند که کمونیسم و مارکسیسم راه حل نیست. اعلام کردند با فرو ریختن دیوار برلین و شکست الگوی شوروی کمونیسم تمام شد.

برای هر ناظر و تاریخ نگار "واقع بینی" پایان دهه ۸۰ میلادی، با پایان کمونیسم تداعی شد. کمتر کسی پیدا میشد که خلاف اینرا بگوید. تمام احزاب کمونیست و سوسیالیست در دنیا یا اسمشان را تغییر دادند و یا با اضافه کردن کلمه دمکراسی تلاش کردند خود را از صف "دیکتاتوری کمونیستها" در بلوک شرق جدا کنند. زیرا برای همه

طبقه کارگر و کمونیستها به دنیای نابرابر و نشانه عزم و اراده انسانیت متمدن علیه حاکمان استثمارگر، وحشی و قهار بود. این حزب جواب کمونیستها و ابزار کمونیستها برای رسیدن به دنیایی آزاد و برابر بود و هست. اما این حزب در شرایط سختی تشکیل شد که کل رسانه های جهانی و قدرتهای پیروز در مقابل شکست سرمایه داری دولتی بلوک شرق با افتخار "مرگ کمونیسم" و پایان هر نوع برابری طلبی و آزادیخواهی را فریاد میزدند. این حزب خلاف جریان و بر خلاف فضای حاکم بر جهان تشکیل شد. نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان در آن مقطع با مهندسی افکار

ایسکرا: به هفدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری نزدیک می شویم. حزب در چه شرایطی و در پاسخ به کدام ضرورت سیاسی و تاریخی تاسیس شد؟ آسگران: قبلا اجازه بدهید هفدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری را به همه کارگران و همه انسانهای تحت ستم و اعضا و فعالین حزب و هر انسان برابری طلبی تبریک بگویم. این حزب امید و روزنه ای به دنیایی روشن و آزاد است و همه انسانهای آزادیخواه و معترض را به پیوستن به آن فرا میخواند. اما در جواب به سوالتان باید بگویم که: حزب کمونیست کارگری جواب

صفحه ۳

حکومتی که کارگر را به زندان و شلاق محکوم می کند، باید به زیر کشید!



عبدالگیریان

احضار شده است. این دو فعال کارگری بیشتر به جرم شرکت در

صفحه ۲

سخنگوی اتحادیه آزاد کارگران ایران را طی دو هفته اخیر دو بار بازداشت و بار دوم روز ۲۳ آبان زندانی کردند. طه آزادی عضو علی البدل هیئت رئیسه اتحادیه نیز در آبان ماه از سوی معاونت دادستانی کنگان

۱۸ نوامبر ۲۰۰۸
نهادهای جمهوری اسلامی در ادامه سیاست سرکوبگرانه خود علیه کارگران اخیرا اقدام به تهدید، بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری نموده اند. طیب ملایی

بازداشت مجدد طیب ملایی و احضار طه آزادی را قویا محکوم می کنیم

صفحه ۴

در مقابل جنایات رژیم علیه مردم اعتراض کنید

تیراندازی کردند که بشدت زخمی شده و قرار است به بیمارستان ارومیه منتقل شود. هنوز از وضعیت جسمانی خالد و امکان نجات وی از مرگ خبر دقیقتری دریافت نشده است.

همچنین روز ۲۱ آبان یکی از زحمتکش ساکن منطقه "دوله گرم"

صفحه ۴

جنایتکاران جمهوری اسلامی باز هم در منطقه سردشت و پیرانشهر دست به جنایات دیگری زدند. بنا به خبر رسیده به کمیته کردستان حزب امشب، ۲۷ آبان، نیروهای انتظامی بسوی يك نفر بنام خالد در اطراف مرز پیرانشهر

به مناسبت هفدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران رها از کردستان

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ادامه از صفحه ۱ حکومتی که کارگر را به زندان ...

مراسم روز جهانی کارگر زندانی و طیب را قبلا و در جریان اول مه پارسال به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم کرده بودند و اخیرا به اتهامات واهی دوباره بازداشت کرده اند. طه آزادی را نیز پارسال همراه با یکی دیگر از فعالین کارگری به اسم جوانمیر مرادی به مدت ۴۷ روز به اتهام فراخوان به برگزاری مراسم اول مه در عسلیوه در زندان نگه داشتند.

هیأت مدیره سندیکا شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هستند، بین ۶ تا ۱۴ ماه حکم زندان دریافت کرده اند. ابراهیم گوهری از کارگران این سندیکا مورد محاکمه قرار گرفته است. هیأت مدیره سندیکا کارگران هفت تپه به اتهام غیرقانونی بودن تشکیل سندیکا بارها مورد تهدید قرار گرفته اند.

عدم پرداخت دستمزدهای معوقه چندین ماهه کارگران از سوی کارفرمایان، بیکارسازی ها، اخراجها و فقر و فلاکتی که به میلیونها خانواده کارگری تحمیل شده است، سیاست همیشگی حکومت اسلامی بوده است. بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری نیز از جانب نهادهای سرکوبگر رژیم اسلامی در ۳۰ سال گذشته ادامه داشته است. زندگی زیر خط فقر، از هم پاشیدگی زندگی بسیاری از خانواده های کارگری، دستمزدهای پرداخت نشده، تورم افسار گسیخته، اثرات منفی و شدت مخرب و ویرانگر این وضعیت بر زندگی کارگران و بسیاری مسایل و مشکلات دیگر، گوشه هایی از تصویر واقعی آن جهنمی است که سران این حکومت و نهادهای سرکوبگر آنان به میلیونها کارگر در ایران تحمیل کرده اند. در کنار خلق این فلاکت و این سیه روزی توسط حکومت سرمایه داران دزد و میلیونها ایرانی،

اما تهدید، احضار و زندانی کردن فعالین کارگری به جرم دفاع از حقوق پایمال شده خود و هم طبقه ای هایشان توسط کارفرمایان و حکومت اسلامی حامی آنان، تنها به این دو فعال کارگری خلاصه نشده است. علاوه بر این افشین شمس، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" و عضو انجمن کاریکاتوربستههای ایران روز ۱۱ آبان ماه به يك سال حبس تعزیری محکوم شد. محمد جراحی، عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری نیز که سال گذشته بازداشت شد و پس از چهار روز با قرار وثیقه ده میلیون تومانی آزاد و بار دیگر روز ۳۰ خرداد امسال احضار شده و حدود يك ماه را در زندان گذراند، روز ۹ آبان ماه امسال بار دیگر با تماسی تلفنی به شعبه ۱۱ دادگاه انقلاب احضار شده است. سعید ترابیان، علی زادحسین، عباس نژادکودکی، یعقوب سلیمی و عطا باباخانی که جملگی از اعضای

می خواهند با زندانی کردن و تهدید رهبران و فعالین کارگری صدای اعتراض و مبارزه گورکنانشان را خفه کنند و در واپسین دوران حیات ننگین و ضد بشری خود شروتهای بیشتری را از قبل استعمار و دسترنج کارگران ذخیره کنند. در مقابل تعرض هر روزه به سطح معیشت زندگی کارگران و به قدمت حکومت رژیم اسلامی، مبارزه ای دائمی علیه این بردگی در جریان بوده است. مبارزه برای خلاصی از این همه فلاکت و بی حقوقی بویژه در سالها و ماههای اخیر ابعاد وسیع و هر روزه ای بخود گرفته است. تشدید و گسترش تجمعات و اعتراضات کارگری، تلاش فعالین و نمایندگان کارگران برای بهم بافتن و متحد کردن این مبارزه در سطح سراسری و برای بیرون کشیدن حقوق پایمال شده شان از حلقوم دولت و کارفرمایان، آن زنگ خطری است که این حکومت ضد کارگر را هراسان کرده است.

علت بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری توسط حکومت را باید در وحشت از رشد اتحاد و همبستگی میلیونها کارگری جستجو کرد که خود و کل جامعه را از یختک و نکبت استعمار و بردگی این حکومت رها خواهند ساخت. اما آنچه که در تغییر این شرایط مهم و حیاتی است، نقش و جایگاه کارگران، خانواده های کارگران، رهبران و فعالین کارگری برای آزادی همسروشان خود از زندان است. جنبش کارگری در چندسال اخیر تجارب و دستاوردهای مبارزاتی

ارزنده ای را بدست آورده است. بارها و بارها این دستاوردها را به محک آزمایش گذاشته و نتایج عملی آن را هم شاهد بوده است. باید با استفاده از ابزار و سلاح مبارزاتی هر روزه خودمان برای آزادی کارگران زندانی و نه تنها این بلکه برای تحمیل خواست و مطالبات پاسخ داده نشده استفاده کنیم. تماس و ارتباط هر چه بیشتر کارگران توسط نمایندگان، فعالین و رهبران کارگری با کارگران بخشهای مختلف مراکز تولیدی، برگزاری مجمع عمومی برای گرفتن تصمیمات عاجل و فوری نظیر تلاش برای آزادی کارگران زندانی، برگزاری مجمع عمومی نمایندگان کارگران چندین کارخانه که چندی پیش توسط نمایندگان کارگران چندین کارخانه در سندانج بعنوان الگوی برجسته و موفق به اجرا گذاشته شد. تصمیم مشترک در ابعاد سراسری برای راه اندازی تجمع و اعتراض به زندانی کردن کارگران، اعتراض به تهدیدات و احکام شلاق و کل بی حقوقی هایی که به کارگران اعمال می شود از جمله اقداماتی است که باید با جدیت پی گرفته شود.

کارگران خوب می دانند که بجز نیروی متحد خود تکیه گاهی ندارند. اما اگر این نیروی متحد با قدرت به میدان بیاید، خود به تنهایی نوید بخش رهایی خود کارگران و کل جامعه خواهد بود. به این توان و این قدرت باید بیشتر از اینها باور کرد. توحش و تعرض حکومت اسلامی به فعالین و نمایندگان کارگران نباید بی پاسخ

بماند. دستگیری و زندانی کردن نمایندگان کارگران، اهانت و توهین به حرمت، شخصیت میلیونها کارگری است که دارند برای بدست آوردن حقوق چپاول شده شان توسط دولت و کارفرما می جنگند. باید با قدرت اتحاد و همبستگی خود کاری کنیم که کارگران زندانی را از زندانهای رژیم آزاد کنیم. اعلام همدردی و نامه حمایتی خوب است اما کافی نیست.

مدتهاست که این حکومت هار و ضد کارگر شمشیر خود را از رو بسته است. پاسخ حکومت اسلامی سرمایه به مبارزه جاری علیه فقر و فلاکتی که به طبقه کارگر و میلیونها انسان زیر خط فقر تحمیل کرده، سرکوب و تهدید است. نباید بیش از این به تداوم این بردگی تن داد. در مقابل تعرض و دست درازی رژیم به کارگران، باید تجمع سازمان داد، باید در مقابل نهادهای حکومت و زندانها اعتراض دسته جمعی و گسترده براه انداخت و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی شد. باید با جلب حمایت از سازمانهای کارگری در سطح بین المللی و در محکومیت رژیم اسلامی، کارگران زندانی را آزاد و حکومت اسلامی را وادار به عقب نشینی کنیم. رژیمی که زبان کارگر را می برد، حکومتی که کارگر را به زندان و شلاق محکوم می کند باید به زیر کشیده شود.

۱۸ نوامبر ۲۰۰۸

رضا عبدال سنبل آبادی، دبیر منطقه نازی آباد تهران در شعبه ۱۰۵۹ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی معلمان در ۱۹ اردیبهشت ۸۶ در مقابل مجلس اسلامی، به پنج ماه زندان و ۲۰ ضربه شلاق محکوم شد. مقرر شده است که ایشان در مقابل ۵ ماه حبس مبلغ دو میلیون ریال و در برابر ۲۰ ضربه شلاق مبلغ پانصد هزار ریال جزای نقلی پرداخت کند. و منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکا واحد همچنان در زندان است.

نادر قدیمی، دبیر کانون صنفی معلمان همدان از سوی هیأت بدوی تخلفات اداری سازمان آموزش و پرورش

طه آزادی، عضو علی البدل هیئت مدیره اتحادیه آزاد، روز ۲۳ آبان ماه از سوی معاونت دادستانی کنگان احضار و از وی خواسته شده است که ظرف یک هفته خودش را معرفی کند. وی قبلا نیز به جرم شرکت در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر امسال در شهر عسلیوه به همراه جوانمیر مرادی دستگیر شد و ۴۷ روز در بازداشتگاه نیروی انتظامی عسلیوه و ستاد خبری و زندان مرکزی شهر بوشهر تحت بازداشت و شکنجه های متعدد قرار داشت.

افشین شمس قهفرخی، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" و عضو انجمن کاریکاتوربستههای ایران روز ۱۱ آبان ماه به يك سال حبس تعزیری محکوم شد.

جلوی تهدید، احضار و زندانی کردن فعالین کارگری بایستیم!

هم قول خود را دارد عملی میکند. طی چند هفته گذشته چندین فعال کارگری و فعال اعتراضات معلمان تهدید، تبعید و یا احضار شده اند و چند تن دیگر نیز روانه زندان شده اند:

طیب ملاتی، سخنگوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در روز ۲۲ آبان ماه دستگیر شد و هم اکنون ممنوع الملاقات است. وی از جمله ۱۳ کارگری بود که در اول ماه مه ۲۰۰۷ در سندانج بازداشت شد و به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم گردید.

جمهوری اسلامی باری دیگر تهدید، احضار، تبعید و حبس فعالین کارگری را تشدید کرده است. تشدید فقر و فلاکت، مردم را علی العموم و طبقه کارگر را بطور اخص با يك دو راهی مقاومت و یا مرگ تدریجی روبرو کرده است. احمدلی نژاد، شخصاً قول داده بود که با پی آمدهای حذف سوسیدها و گسترش فلاکت مقابله خواهد کرد، بعبارتی سرکوب اعتراضات مردم را گسترش خواهد داد. اکنون که طبقه کارگر بر علیه تحمیل مرگ تدریجی، مقاومت و مبارزه را گسترش داده است، احمدلی نژاد

ادامه از صفحه ۱ گفتگو با محمد آسنگران به مناسبت هفدهمین ...

آنها هم آن بلوک معنی سوسیالیسم و کمونیسم را داشت. آغاز دهه ۹۰ میلادی آغاز تعرض افسار گسیخته بورژوازی راست پیروز بود. تحت لوای شکست بلوک شرق و شوروی آن زمان شکست کمونیسم و مارکسیسم را فریاد زدند. تعرضی همه جانبه و بیرحمانه به کمونیستها آغاز شده بود. بورژوازی بازار آزاد پیروز شده بود. با این پیروزی میخواست تقاض خود از مبارزات طبقه کارگر که در طول حیات خود با آن موجه شده بود را بگیرد. با شکست بلوک شرق و سرمایه داری دولتی این بلوک، اعلام کردند کمونیسم شکست خورده است. آوار این شکست را بر سر طبقه کارگر و انسانیت برابری طلب خراب کردند. اما جواب منصور حکمت و کمونیستهای کارگری به این تعرض پیشرفته و بیرحمانه، دفاع جانانه و بدون تخفیف از مارکسیسم و رهایی انسان و نقد سرمایه بود. اگر چه دفاع از انسانیت و آزادی انسان و ایده های برابری طلبانه در بسیاری از کشورهای جهان دیوانگی و سر به سنگ کوبیدن معنی میشد، اما کمونیستهای کارگری در حقانیت تئوریهی مارکس شک نکردند. با پافشاری بر نقد سرمایه و با زنده نگهداشتن نقدهای مارکس در هر محدوده ای که در توان داشتند، در مقابل این تعرض پیشرفته بورژوازی به سنگر بندی پرداختند. این سنگر بندی در آن مقطع بدون منصور حکمت ممکن نمیشد. بورژوازی راست علیه انسانیت و برابری طلبی در بوق و کرنا کرده بود که این پایان تاریخ است و سرمایه بازار آزاد و دمکراسی مبتنی بر آن آخرین مدل و سیستم اداره جامعه است! تشکیل حزب کمونیست کارگری جواب مارکسیستها در ایران به این تعرض جهانی بود.

عقلانیت و خرد به جایی رسید که افسار گسیختگی بازار آزاد سرمایه داران و تئورسین هایشان با موانع جدی مواجه شد. فرمان پایان تاریخ از همین مقطع از جانب بخشی از تئورسینهای بورژوا با شک و تردید جدی روبرو شد. ایدئولوگهای "عاقلتر" بورژوازی راست پیروز از این مقطع با احتیاط بیشتری حرف میزدند.

دهه ۹۰ را میتوان دهه تعرض همه جانبه بورژوازی بازار آزاد و دمکراسی به ایده های آزادیخواهانه و برابری طلبانه نامید. اما در همین دهه بود که مارکسیست بزرگی مانند منصور حکمت و همراهانش حزب کمونیست کارگری را تشکیل داده و به عنوان یک راه حل و پرچم انسان خلاف جریان، پاسخی درخور و جسورانه به تعرض دشمنان انسانیت دادند. اگر چه صدای ما ضعیف و محدود بود، اما نشان دادیم که صدای حقیقت و صدای آزادی انسان زنده است. این صدا و این پرچم با حزش، با سیاستهای رادیکال و انسانیش، با رهبران و رسانه هایش و تیزبینی و حقانیتش اکنون در دوره ای دیگر و با اعتماد بنفس بسیار بالاتری در میدان سیاست آماده است و نقش ایفا میکند.

عرضی که حداقل به مدت یک دهه تحت تاثیر پیروزی بر بلوک شرق، فضای تخریب ایده های رهایی انسان و برابری طلبانه را با شدت و حدت تمام ادامه داد. اما در پایان دهه ۹۰ نیاز انسان و نیاز جامعه به بهتر زیستن و نیاز به اتکا به

کارگری است. البته نباید غافل بود که در بحران مرگباری که اکنون سرمایه داری در آن غوطه ور شده است تلاش میکنند به مردم جهان بگویند یک بار دیگر کمربندهایشان را سفت کنند. پیام حزب ما در این دوره این است که باید با تعرض به کل این سیستم جواب حاکمان پیروز دیروز و شکست خوردگان امروز را داد.

ایسکرا: وجوه تمایز حزب با سایر جریاناتی که خود را چپ می دانند را در چه می بینید؟

یکی از تمایزات مهم ما با دیگر جریاناتی که خود را چپ میدانند و یا میدانستند بر خورد و تفاوت سیاستمان به همین دوره قبلی بود که در سوال اول به آن پرداختم. (منظورم نه افراد که سازمانها و احزاب شناخته شده است)

همه جریانات چپ به نوعی با آن فضای بعد از جنگ سرد همگام شدند، و یا در بهترین حالت دچار سردرگمی و سکوت و رخوت شدند. حرفی برای گفتن و پرچمی برای به اهتزاز در آوردن نداشتند. یا با آن صدای گوش خراش بورژوازی بازار آزاد و بویژه دمکراسی طلبی مد شده، همراه شدند و ضد کمونیست بودن خود را افتخار دانستند و یا سرشان را زیر برف کردند و منتظر تحولات بعدی شدند.

ولی تفاوت و تقابل تحلیل و ارزیابی ما با دیگر جریانات و سازمانهای "چپ" محدود به ارزیابی از آن تاریخ و بعد از شکست بلوک شرق نیست. تفاوتهای ما با آن چپ از نقد تاریخ سوسیالیسم روسی و چینی و... گرفته تا نقد و تفاوت ما در قبال اوضاع جهانی بعد از جنگ سرد، تا تمایز ما با همه این جریانات در قبال اسلام سیاسی، ناسیونالیسم، دمکراسی و آلترناتیو ما برای رهایی انسان و... همگی نشان میدهد که ما از پایه با همه آنها متمایز هستیم.

ما در نقد سیاستها و جهان بینی بورژوازی که آن چپ هم بخشی از آن است به اینجا رسیده ایم. ما نه تنها از لحاظ تئوری و سیاست که از نظر طبقاتی و جنبشی و سنت مبارزاتی هم متمایز و متفاوت هستیم. جنبش و سنتهایی که سازمانها و احزاب چپ خود را به آن

متعلق میدانند یا تماما و یا بخشا با ناسیونالیسم و مذهب آغشته و عجین است. ما هیچ نوع نزدیکی و یا احساس همسرنوشتی با این چپ که تا مغز استخوان آغشته به ناسیونالیسم و مذهب است نداریم. اما این به این معنی نیست که ما به سرنوشت جریانات چپ بی تفاوت هستیم. جریان ما به رهبری منصور حکمت تاریخا این چپ را در دوره بعد از انقلاب ۶۷ زیر و رو کرد. آنرا تغییر داد و بخش قابل توجهی از این چپ را نجات داد.

متاسفانه تحولات جهانی با شکست بلوک شرق و نعره های پیروزی بورژوازی بازار آزاد و دمکراسی علیه کمونیسم و آزادی و رهایی بشر، مجال این را نداد که آن پروسه به انتهای خود برسد. ما در ابتدای دهه نود با حرکت غول آسای سیل مخرب تعرض بورژوازی مواجه شدیم که ابعاد جهانی آن حیرت انگیز بود. ناگفته نماند چههایی بودند که در خواب و خیال خود فرو رفته و هیچ وقت این ابعاد و اهمیت این تعرض را نفهمیدند. در چنین شرایطی ما ناچار بودیم نه تنها در ابعاد ملی که در ابعاد جهانی پرچمی را به اهتزاز در آوریم و در مقابل وحشیانه ترین تعرض بورژوازی ها که در تاریخ مدرن بشر بی سابقه بود بایستیم. این موقعیت ویژه محدودیتهای معینی را به ما تحمیل کرد. کالبد شکافی دقیق چپ ناسیونالیست و اسلام زده و سنتی ایرانی تا حدود زیادی در پرتو اوضاع جهانی جواب می گرفت. به همین دلیل بررسی دقیق و موشکافانه از تئوری و سیاست و جهان بینی این چپ در محدوده ایران عملا تحت تاثیر این فضا قرار گرفت.

ما اگر امروز بعد از پایان آن گرد و غبار و در انتهای دوره ای قرار گرفته ایم که با افتخار میتوانیم سرمان را بلند نگهداریم و بگوییم شکست بلوک شرق شکست کمونیسم نبود، اگر اکنون با سری افراشته میتوانیم به همان بورژوازی ها که نعره پیروزی سر داده بود بگوییم حقانیت نداشتید و مدل بازار آزادتان همراه با دمکراسی تان با شکست مواجه شده است، اگر اکنون با امید به پیروزی انسانیت و برگرداندن اختیار به انسان و با اتکا به تئوریهی و نقدهای مارکس و منصور حکمت

میتوانیم بگوییم دوره تعرض ما آغاز شده است، فقط با اتکا به آن تاریخ پرافتخار مقاومت و تیزبینی گذشته، این امر ممکن شده است.

به هر حال اکنون در موقعیت مناسبتری میگوییم: هر جریان و انسان چپی که اگر در آن دوره دچار سردرگمی و رخوت شده است اکنون باید به میدان بیاید و متوجه این تحولات بشود و به صفی ملحق شود که تاریخ گذشته حقانیت سیاستها و تئوریهایش را به اثبات رسانده است. جریاناتی که مرعوب پیروزی دمکراسی و بازار آزاد شدند، جریاناتی که نام خود را تغییر دادند و غلظت دمکراسی و توراتس خود را با جریانات ناسیونالیستی و سرمایه داری نشان دادند، جریاناتی که به آمریکا و یا اسلام سیاسی و نیروهای مخرب اسلامی و ترور دل بسته بودند، جریاناتی که دنبال این یا آن جناح رژیم اسلامی روان شدند، جریاناتی که امید به بمبهای آمریکایی بسته بودند و جریاناتی که نتوانستند مکانیسمهای تغییر جامعه و تحولات دنیای نوین را از زاویه منفعت انسان مدرن امروزی ببینند، و... نمیتوانند تحولات امروز را هم توضیح بدهند. شکست سرمایه داری بازار آزاد و تحولات متعاقب آن اگر چه کمک میکنند چشم خیلی ها باز بشود اما یک بار دیگر آنها را برای مدتی در سردرگمی قرار میدهد.

اما در پایان این دوره و در موقعیتی که این سطور را مینویسم، فرخوان ما به همه جریاناتی که به هر دلیلی در گذشته راه دیگری را رفته و یا دچار سردرگمی و ابهام شدند و توان تشخیص تحولات جهان را نداشتند، این است که موقعیت فعلی را دریابند. دوران تعرض کمونیسم و دوران بالندگی سریع و رشد احزاب کمونیستی فرا رسیده است. حزب کمونیست کارگری چه در دوران برو بیای بازار آزاد و چه در شرایط افول آن، آلترناتیو سوسیالیستی و رهایی انسان از تمام قید و بندهای نظام حاکم را هدف خود قرار داده است. این حزب، حزب همه انسانهای معترض به سیستم حاکم و مدافع رهایی انسان از اسارت است.



طه آزادی - طیب ملائی

نهادهای کارگری میخواهد تا متحدانه در برابر این یورش ایستادگی نمایند.

همچنین ما از عموم سازمانهای کارگری و حقوق بشری در سراسر جهان میخواهیم تا نسبت به زیر پا گذاشتن گسترده بدیهی ترین حقوق کارگران در ایران اعتراض نموده و خواهان آزادی منصور اسالو، افشین شمس، طیب ملائی و توقف فوری احضارها و بازداشت و آزار و اذیت کارگران در ایران شوند.

رونوشت به: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری ifuc

اتحادیه آزاد کارگران ۲۳/۸/۸۷

اعمال ضد انسانی از سوی مامورین انتظامی را تلاشی از سر استیصال از سوی دشمنان طبقه کارگر برای خانه نشین کردن اعضای فعال اتحادیه آزاد کارگران ایران ارزیابی میکند و با تمام توان در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با توجه به ایجاد سندیکا توسط کارگران نیشکر هفت تپه و در شرایطی که تورم افسار گسیخته زندگی را بیش از هر زمان دیگری به جهنمی برای کارگران تبدیل کرده است، صدور حکم تعلیقی برای کارگران شرکت واحد و یکسال زندان برای افشین شمس و احضار طه آزادی و محمد جراحی و یورشهای مکرر به منزل طیب ملائی و بازداشت وی را تعرضی سازمانیافته از سوی دشمنان طبقه کارگر برای وارد کردن کارگران به عقب نشینی از ایجاد تشکل و جلوگیری از اعتراضات کارگری ارزیابی میکند و از عموم کارگران و تشکلهای

منزل طه آزادی عضو علی البدل هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران ارسال گشته و طی آن از طه آزادی خواسته شده است از تاریخ رویت ابلاغیه به مدت ۷ روز فرصت دارد تا خود را به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به شعبه معاونت دادستانی کنگان معرفی نماید.

لازم به یاد آوری است طه آزادی به جرم شرکت در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر امسال در شهر عسلویه به همراه جوانسیر مرادی دستگیر و به مدت ۴۷ روز در بازداشتگاه نیروی انتظامی عسلویه، ستاد خبری و زندان مرکزی بوشهر تحت بازداشت و شکنجه های روحی و جسمی قرار داشت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران احضار طه آزادی به دادگاه و یورش مکرر به منزل طیب ملائی و بازداشت و آزار و اذیت وی و خانواده اش را با اتهامات واهی قویا محکوم میکند و متوسل شدن به

بازداشت مجدد طیب ملائی و احضار طه آزادی را قویا محکوم می کنیم

فردایش به زندان مرکزی سنندج منتقل و ممنوع الملاقات شده است. بر این اساس امروز پنجشنبه مورخه ۲۳/۸/۸۷ به مادر طیب اجازه ملاقات با وی را ندادند.

در رابطه با اتهام طیب مولایی این بار نیز مامورین نیروی انتظامی ادعای واهی قبلی را مبنی بر داشتن سلاح مطرح کرده و طیب را به اتهام استفاده از ماهواره زندانی و ممنوع الملاقات کرده اند. این در حالی است که مامورین انتظامی بشقاب ماهواره همسایه را ضبط کرده و آترا متعلق به طیب اعلام نموده اند در حالی که همسایه طیب اعلام کرده است بشقاب مال طیب نیست و متعلق به وی می باشد.

از سوی دیگر دیروز پنجشنبه ۲۳ آبانماه احضاریه ای از سوی معاونت دادستانی کنگان به درب

علیرغم آزادی طیب ملائی از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز سه شنبه ۲۱ آبان ماه بار دیگر مامورین انتظامی کلانتری ۱۵ سنندج با سلاح و تجهیزات و بدون نشان دادن حکم قضایی با خشونت وارد منزل طیب ملائی شده و بلافاصله و بدون سوال و جوابی برادر ایشان را دستبند زده و پس از جستجوی خانه بر بالای پشت بام رفته و بشقاب ماهواره همسایه را به همراه برادر طیب با خود بردند و اعلام کردند تا معرفی طیب ملائی برادرش را آزاد نخواهند کرد. با پیش آمدن این وضعیت غروب روز چهارشنبه طیب ملائی پس از بازگشت از کار به کلانتری مزبور رفت که همانجا بازداشت و بنا بر اظهار مامورین این کلانتری

به مناسبت هفدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست

کارگری ایران رها از کردستان

کنیم یاری دیگر اما این بار همدل و هم صدا بگویم نه به اعدام، نه به سنگسار، نه به تبعیض، نه به مذهب، نه به نابرابری و نه به هر گونه قوانین غیر انسانی.

پیروز مندانه هفدهمین سالگرد تشکیل حزب را به تمامی کارگران دانشجویان معلمان و زنان آزادی خواه تبریک میگویم.

شاید نتوانم احساس خودم را با نوشتن چند کلمه بیان کنم اما این را میدانم که تنها باید گفت:

پیروز باد حزب کمونیست
کارگری ایران
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد آزادی و برابری

احساس پیروزی میکنم چون که حزب کمونیست کارگری ایران را داریم. قدرت تعرض جنبش های اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی را احساس میکنم چون که حزب را داریم. قدرت جنبش زنان را احساس میکنم چون که حزب را داریم. جنبش پر قدرت کارگری را احساس میکنم چون که حزب را داریم. جنبش اعتراضی دانشجویی را احساس میکنم چون که حزب را داریم. در آستانه هفدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری هستیم و باید در این روز پیروز مندانه سر بر افرازیم و در برابر سیلی از جرم و جنایات جمهوری اسلامی قد علم

را قربانی کنند، باید متحد و قدرتمند و باشکال مختلف صدای اعتراض را بلند کرد و به توحش آنها افسار زد، مسببین این جنایات و مسئولین حکومتی در منطقه باید وادار شوند که به مردم پاسخ بدهند و باید دستشان را از سر مردم کوتاه کرد. کمیته کردستان حزب همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند که در مقابل این جنایات عکس العمل نشان بدهند و با نمایش قدرت اتحاد و همبستگی خود سرکوبگران را سر جای خود بنشانند.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۷ آبان ۱۳۸۷
۱۷ نوامبر ۲۰۰۸

گرفته اند.

به این لیست دهها مورد دیگر می توان اضافه کرد.

حزب کمونیست کارگری کارگران و مردم آزادیخواه را به مقاومت متحدانه و یکپارچه در برابر سرکوب و ایجاد فضای رعب و وحشت فرا می خواند. هر مورد احضار و دستگیری باید به اعتراض توده وسیع کارگران و مردم تبدیل شود. اجازه ندیم فعالین کارگری و معلمان

ادامه از صفحه ۱ در مقابل جنایات ...

تعداد زیادی از این زحمتکشان نیز در اثر مینهائی که رژیم اسلامی بر سر راه رفت و آمد آنان کار گذاشته است جان خود را از دست داده اند که قبلا اخبار آنها را باطالع رسانده ایم. واقعیت این است که این توحش سرکوبگران رژیم فقط بدلیل وحشت آنان از اعتراض و تنفر مردم آزادیخواه و شریف از این حکومت است که هیچ راهی در مقابل آنان باقی نگذاشته است جز اینکه باشکال مختلف و به عبث دست به ارباب مردم بزنند. اما نباید اجازه داد که این وحوش انسانهای بیشتری

بنام محمد قادرزاده توسط مزدوران جانی حکومت اسلامی در مرز سردشت کشته میشود. کمیته کردستان حزب جنبش ختن محمد قادرزاده را به همسر و پنج فرزند و دیگر بستگان وی تسلیت میگوید.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی تاکنون تعداد زیادی از مردم زحمتکش در پیرانشهر و سردشت و مناطق مرزی را مورد تیراندازی قرار داده و از آنان قربانی گرفته و در مقابل اعتراض مردم این جنایات را عموما انکار کرده است.

ادامه از صفحه ۲ جلوی تهدید، احضار ...

همدان است و به خاطر اعتراضات سال گذشته مورد اذیت و آزار قرار گرفته بود، حکم تبعید ۳ ساله گرفته بود که از طرف دادگاه تجدید نظر این حکم به یک سال تبعید به شهر نهاوند تخفیف یافت.

هیأت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه به اتهام غیرقانونی بودن تشکیل سندیکا بارها مورد تهدید قرار

استان همدان به ۵ سال تبعید به استان خراسان محکوم شده بود. این حکم از سوی دادگاه تجدید نظر به یک سال تبعید به منطقه خال در ۱۴۵ کیلومتری شهر همدان تخفیف یافت و از ۲۰ مهرماه برای گذراندن دوران تبعیدی راهی این منطقه شد. یوسف زارعی نیز که یکی دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!